

فرهنگ بسیجی و قدرت نرم با تاکید بر سبک زندگی

نویسنده: محمد قربان جافری^۱

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال سیزدهم، شماره ۳۶، بهار ۱۳۹۵

چکیده

فرهنگ و تفکر بسیجی حقیقتی است که در آن والاترین ارزشهای انسانی رشد و تکامل یافته و مملو از شایستگی و بایستگی است. یک فرماندهی و مدیریت به دو عامل فکری و ارزشی-فرهنگی فرماندهان و مدیران برمی گردد. مفهوم بسیج براساس آنچه امروز مدنظر می باشد منحصر به انقلاب اسلامی ایران است و معانی و تعبیر مدیریت جهادی به طور یی با آنچه در جامعه امروز مصطلح است تفاوت اساسی دارد. مدیریت جهادی حیات معقول و تکامل بخش انسان را فراهم آورده و از عناصری چون معنویت، شهادت، شجاعت، غیرت و حریت است که در آن اولویت، حفظ ارزشهاست و حساسیت اعتقادی و سیاسی دارد و برای کل بشریت پیام دوستی، صلح، استقلال، پیشرفت و امل را به ارمان می آورد. الگوی تفکر بسیجی و مدیریت جهادی، الگوی تمام عیار امیرالمومنین علی (ع) در مدیریت اسلامی عه مسلمین است که درسهای فراوانی برای بشریت به ارمان آورده است. با عنایت به موضوعاتی از قبیل (ولایتمداری، سیاست، کیاست، تیزبینی، آینده نگری، برنامه ریزی، حفظ هوشیاری، آمادگی و...) که مورد تأکید و سفارش دین مقدس اسلام است و سازمانهای نظامی در حکومت اسلامی به فرماندهان و مدیرانی با این ویژگیها و معیار نیازمند است. از این رو در این مقاله با سیرا جمالی در متون اسلامی، یکی از مهمترین و اساسی ترین مسائل که همان تفکر بسیجی و مدیریت جهادی است مورد بررسی و واکاوی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: فرهنگ بسیجی، قدرت نرم، مدیریت بسیجی، مدیریت جهادی، مدیریت اسلامی

شکلی بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران از برکات والطف ا کار خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد. و حوادث گوناگونی پس از پیروزی انقلاب خصوصا جنگ بودند و بسیجیانی که با اشیار و خلوص فداکاری و شهادت طلبی کشور انقلاب اسلامی را بیمه کردند ولی حقیقا اگر بخواهیم مصداق کاملی از خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه کنیم چه کسانی بهتر و نو تر از یجیان می باشند بسیج بجزطیبه درخت تناور و پرشهری ا که شکوفه های ان بوی بهار وصل و طراوت تعیین و حدیث عشق را میدهد پس از پایان هشت سال دفاع مقدس این بسیجیان بودند که در تمامی عرصه های اجتماعی فرهنگی اقتصادی یاسی دفاعی و امنیتی حاضر بوده اند و با مشارکت حد اکثری در همه عرصه ها انواع و اقسام توطئه های دشمنان خارجی و داخلی را خنثی نمود اند بسیجیان در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی می باشند و این شدن است چرا که بسیج تنها محضر به ایران اسلامی نیست و هسته های مقاومت امروز در تمامی جهان به وجود آمده است. فرهنگ بسیجی فرهنگ معنویت است فرهنگ شجاعت است فرهنگ غیرت است فرهنگ استقلال و آزادی است . فرهنگ ا بر خواسته های حقیر نشده است خواسته های زندگی برای همه مهم است اما آنچه مهم تر است ارمان ها است ارزش ها است هدف ها است انها را باید مقدم داشت (به نقل از فرهنگ بسیجی، ۱۳۸۴). چه بر بیانات فوق بسیج یک فرهنگ است و پویا است به بیانی دقیق تر حمله فنالیت های بسیج هم در زمینه های سخت افزاری و هم در زمینه های نرم افزاری است و این نشان دهنده ان است که بسیج در لعمه شرایط و زمان ها لازم است و آماده است به منظور عملیاتی شدن دیدگاه های رهبر معظم انقلاب و در خصوص سبک زندگی بهتری تا ثیر گذاری را نهاد مقدس بسیج و یجیان نقش اصلی را می توانند داشته باشند در این نوشتار به همین موضوع تفکر بسیجی و قدرت نرم با تاکید بر سبک زندگی پرداخته می شود.

بیان مسئله:

سازمان ظلم و گسترده بسیج امروز در سطح کشور به عنوان بزرگترین نهادی که در آن تمامی اقشار و تمامی سلاقی عضو میباشند این سازمان بزرگ و مردمی فرهنگ و فکری که حقیقتی است که در آن والاترین ارزش های انسانی رشد و امل یافته مملو از شایستگی و بالندگی است، بیات معقول و کامل بخش انسان را فراهم آورده پیشرو، هدفدار، اصیل و متاثر از اصول ثابت و معقولی است که بردیافت های عالی انسان متکی است، بستر حرکت عمومی جامعه، آرمانگرا، ظلم ستیز.... متاثر از ارزش های اسلامی

والهی است و برای مل بشریت پیام دوستی و استقلال و مل را به ارمغان می آورند. بسیج به عنوان بزرگترین قدرت نرم جمهوری اسلامی باشد و به عنوان یک سرمایه اجتماعی بزرگ همیشه توانسته است تهدیدات را به فرصت تبدیل نماید، بسیج دارای خاستگاه مردمی و دارای شبکه گسترده می باشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) در قامت یک نظریه پرداز مسلط به واقعیات کشور، بحث تئوریک، انتقادی و دقیقی را با عنوان سبک و فرهنگ زندگی کلید زد که مهم ترین مساله فراروی جامعه ماست. در اکثر تعریف های سبک زندگی که امروزه مورد توجه عالمان اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است می توان دو مفهوم رایفت، یک؛ واژه سبک و مفهوم وحدت و جامعیت و دوم، مفهوم تمایز و تعارض، به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام مند باهم ارتباط داشته و یک اکله فرهنگی و اجتماعی را پدید می آور که رهبر معظم انقلاب به عنوان نمونه به بیش از بیست مورد از آنها اشاره فرمودند و مباحثی را که (معظم له) مطرح فرمودند: چنانچه در جامعه ما به درستی مدیریت شود می تواند امنیت نرم را به خطر اندازد و لذا در این مقوله سعی است نقش فرهنگ و فکر بسیجی و تولید قدرت نرم در مقابله با تهدیدات متصور را مورد بررسی قرار دهد و تغییرات سبک زندگی کنونی را به یک سبک و فرهنگ زندگی اسلامی پیشنهاد نماید.

سوال اصلی این است که فرهنگ و تفکر بسیجی چگونه می تواند با تولید قدرت نرم سبک زندگی مردم کشورمان را تغییر دهد؟

تعریف مفاهیم

قدرت نرم: روح، اعتقادات و فرهنگ مردم را مورد هدف قرار می دهد. قدرت متقاعد کننده نرم همسان قدرت سخت مهم است و اگر دولتی بتواند قدرتش را در نگاه دیگران مشروع جلوه دهد، برای رسیدن به خواسته هایش با مقاومت کمتری رو به رو خواهد شد. اگر فرهنگ وایدیولوژی دولتی جذاب باشد، دیگران با رغبت بیشتری از آن تبعیت خواهند کرد و اگر بتواند هنجارهای بین المللی را هماهنگ و سازگار با جامعه خویش به وجود آورد، کمتر مجبور به تغییر اجباری خواهد بود. (نای ۱۳۸۲: ۶۳)

تفکر بسیجی: تفکر بسیجی حقیقتی است که در آن والاترین ارزش های انسانی رشد و تکامل می یابند و حیات معقول و تکامل بخش انسان را فراهم آورد، پیشرو، هدف دار، اصیل و متأثر از اصول ثابت و معنوی است که بردیافت های عالی انسان متکی است، در حرکت عمومی جامعه، آرمانگرا ظلم بیشتر، متأثر از ارزش های اسلامی واجد عناصر معنویت، شهادت، سجاعت، غیرت و حریت است. (میرزاده، ۱۳۸۵: ۳۴)

بسیج: بسیج یعنی ساختگی کارها و کارسازی و ساخته شدن و آماده گردیدن به معنای

سامان و اسباب جنگ - عزم اراده - آماده سفر شدن - آماده ساختن نیروهای نظامی
یک لشگر برای جنگ (دهخدا، ۱۳۷۰)

سبک زندگی: را بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی خواندند و با دعوت از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای «پرداختن به این مفهوم مهم، آسیب شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره جویی در این زمینه» تأکید کردند: پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد و سیاست که بُعد ابزاری تمدن اسلامی را شکل می دهد وسیله ای است برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی.

سبک زندگی در کلام رهبر معظم انقلاب

ایشان، مفهوم پیشرفت را تداعی کننده حرکت و راه دانستند و افزودند: در هر برداشتی (چه مادی و چه معنوی) از مفهوم توقف ناپذیر پیشرفت، سبک زندگی، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن ایت فراوانی دارد.

حضرت امام خامنه ای، با توجه به نو بودن بحث "سبک زندگی" در ادبیات و فضای گفتمانی کشور، سخنان خود را با نوعی آسیب شناسی عینی ادامه دادند و به طرح سؤالات متعدد پرداختند.

- چرا فرهنگ کار جمعی در ایران ضعیف است؟
- چرا در روابط اجتماعی، حقوق متقابل رعایت نمی شود؟
- چرا در برخی مناطق، طلاق زیاد شده است؟
- چرا در فرهنگ رانندگی انضباط لازم رعایت نمی شود؟
- الزامات آپارتمان نشینی چیست آیا رعایت می شود؟
- الگوی تفریح سالم کدام است؟
- آیا در معاشرتهای روزانه، همیشه به هم راست می گوییم؟
- دروغ چقدر در جامعه رواج دارد؟
- علت برخی پرخاش گریها و نابردباریها در روابط اجتماعی چیست؟
- طراحی لباسها و معماری شهرها چقدر منطقی و عقلانی است؟
- آیا حقوق افراد در رسانه ها و در اینترنت رعایت می شود؟
- علت بروز بیماری خطرناک قانون گریزی در برخی افراد و بعضی بخشها چیست؟
- چقدر وجدان کاری و انضباط اجتماعی داریم؟
- توجه به کیفیت در تولیدات داخلی چقدر است؟
- چرا برخی حرفها و ایده های خوب در حد حرف و رؤیا باقی می ماند؟
- ساعات کار مفید در دستگاهها چرا کم است؟

- چه کنیم ریشه ربا قطع شود؟
- آیا حقوق متقابل زن و شوهر و فرزندان در خانواده ها بطور کامل رعایت می شود؟
- چرا مصرف گرایی، برای برخی افتخار شده است؟
- ه کنیم تا زن هم کرامت و عزت خانوادیش حفظ شود و هم بتواند وظایف اجتماعی خود را انجام دهد؟

رهبر انقلاب اسلامی پس از طرح فهرست وار این سؤالات افزودند: دهها سؤال و مسئله اساسی دیگر نیز وجود دارد که همه آنها با سبک و فرهنگ زندگی مرتبطند و به علت اهمیت این مسائل در زندگی انسان است که قضاوت در مورد یک تمدن با توجه به پیشرفت آن در بخش سبک و فرهنگ زندگی صورت می پذیرد. تعداد زیادی از افرادی که به مشاوران مراجعه می کنند افرادی هستند که در شرف ازدواج یا طلاق هستند. خیلی کم هستند خانم هایی که به علت بیکاری شوهرشان درخواست طلاق داده اند. آنچه یک خانواده را در معرض طلاق قرار می دهد کم رنگ شدن ارزش های اخلاقی است.

- رشد طلاق در سایه سبک زندگی وارداتی
- پاسخ به سؤالات حقوقی درباره ازدواج و طلاق
- چاره، پیشگیری از طلاق است
- طلاق زخمی بر جامعه است
- سبک زندگی، تحکیم بخش بخش بنیان خانواده
- حقوق زوجین در خانواده
- پاسداری از فرهنگ بومی در مقابل جهانی شدن
- کار گروهی

ما در بسیاری از موارد و اتفاقات، قانون نداریم اما مردم حقوق همدیگر را رعایت می کنند. در برخی موارد هم قانون وجود دارد اما حقوق متقابل رعایت نمی شود و قانون برخورد می کند. مثلاً چون قانون کنترل اجتماعی برخورد کرده، طلاق افزایش یافته و دادگاه ها پر از پرونده و زندان ها پر از آدم شده است. قانون حتی آمده پیشگیری هم بکند اما می بینیم که عملی نیست.

- موانع اجتماعی بازدارنده اصلی کار گروهی
- تقویت هویت خانوارها بر اساس تغییر سبک زندگی
- تفرد گرایی، بلای جان جامعه ایرانی
- کار جمعی موجب هم افزایی می شود
- کار جمعی واجب است نه مستحب

- ضعف در مدیریت است

- انقلاب اسلامی محصول کار جمعی بود

با اینکه وضع تولید از پیش‌ترها بهتر شده‌است اما هنوز ما از تولید محصول داخلی با کیفیت بالا برخوردار نیستیم. البته باید توجه کرد کیفیت تولیدات داخلی در برخی حوزه‌ها بیشتر است و در برخی حوزه‌ها هم کمتر و به همین خاطر نمی‌شود برای تمام تولیدات داخلی حکمی یکسان در نظر گرفت.

- تولید باید از انحصار خارج شود

- هنگ تولید باید جایگزین دلالی شود

- ایجاد مشوق راهکاری برای افزایش کیفیت تولید ملی

- کیفیت برتر نیازمند توسعه سرمایه گذاری

- تحقق وعده‌ها

امام خامنه‌ای طی بیاناتی که در جمع جوانان استان خراسان شمالی در زمینه سبک زندگی داشتند، بیست سوال کلیدی را مطرح کرده و بر نخبگان حوزه و دانشگاه، رسانه‌ها و... تکلیف کرد که در زمینه این سوالات آسیب‌شناسی کرده و علل این آ‌ب‌ها را جست‌وجو کنند. از جمله این سوال‌ها که موضوع پرونده حاضر است، این بود که «چرا برخی حرف‌ها و ایده‌های خوب در حد حرف و رویا باقی می‌ماند؟»

- عدم شکل‌گیری احزاب قوی؛ علت تحقق نیافتن ایده‌های خوب در سیاست

- بی‌اعتمادی مردم؛ مهم‌ترین پیامد محقق نشدن وعده‌ها

- لزوم فرهنگ‌سازی

- نگاه واقع‌بینانه به تحقق وعده‌ها

ما باید در سطح برنامه‌ریزی کلان توجه زیادی به مقوله اوقات فراغت داشته باشیم. مسئله اصلی همان چیزی است که مقام معظم رهبری می‌فرمایند و به دولت توصیه می‌کنند که دولت باید در همه برنامه‌هایش خانواده را مبنا قرار بدهد. دولت باید بتواند شرایطی برای خانواده‌ها به وجود بیاورد که دغدغه‌های معیشتی نداشته باشند و اوقات فراغت و تفریحات سالم در سبد هزینه‌های آنها قرار بگیرد. متأسفانه الان دغدغه خانواده‌های ما در حوزه نیازهای اولیه زندگی است. اگر تقسیم‌بندی آبراهام مازلو را نگاه کنیم می‌بینیم که ما تا رسی الگوی تفریح سالم کدام است؟

- تعریف درستی از تفریح نداریم

- مهارت زندگی آموختنی است

- تفریح، نیاز گم شده زندگی عصر حاضر ما

رَبَا

نگاهی دینی، اجتماعی و فرهنگی به موضوع ربا و رباخواری امری است که حجت‌الاسلام لمی سرلک ما را به آن توصیه می‌کند. به گفته او نمی‌توان به موضوع ربا فقط از دید اقتصاد و قانون نگریست بلکه باید این پدیده شوم را در بطن اجتماع و اخلاق پیگیری کرد. بنابراین این کارشناس مسائل دینی معتقد است که برای ریشه‌کن کردن ربا و رباخواری باید به اخلاق و فرهنگ جامعه توجه داشت. ریشه‌کن کردن ربا در کشور از مطالباتی است که رهبر معظم انقلاب در سفر خود به خراسان جنوبی به آن پرداختند و خواستار واکاوی این مسئله و تدوین یک نقشه راه برای ریشه‌کن شدن ربا در کشور شدند.

سبک زندگی:

شاید مهمترین و راهبردی‌ترین فراز تحلیل‌های رهبر انقلاب اسلامی شاخصه‌های «سبک زندگی اسلامی» و «سبک زندگی غربی» از سوی ایشان باشد. پس از کلیدواژه‌های «تهاجم، شبیخون و ناتوی فرهنگی»، «عبرت‌های عاشورا و بحث خواص و عوام»، «جنبش نرم‌افزاری، تولید علم و نهضت آزاداندیشی» و ... اکنون در آستانه دهه پیشرفت و عدالت و در آغاز ورود به مرحله چهارم از مراحل پنجگانه ۱- انقلاب اسلامی ۲- نظام اسلامی ۳- دولت اسلامی ۴- جامعه اسلامی و ۵- دنیا و تمدن نوین و شکوهمند اسلامی، رهبر حکیم و دوراندیش انقلاب در قامت یک نظریه پرداز مسلط به واقعیات کشور، بحث‌تئوریک، انتقادی و دقیقی را با عنوان «سبک و فرهنگ زندگی» کلید زدند. ۹ دی این بحث را به طور جدی و آکادمیک پی خواهد گرفت.

«سبک زندگی» چیست؟

مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و علم جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی است که در دهه اخیر بسیار مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است؛ سبک زندگی معنایی است که از به هم تنیدگی و پیوند و نظام‌وارگی و شبکه‌ای بودن عوامل متعددی که در شیوه‌های زندگی یا اقلیم‌های زیستن انسان تأثیر می‌گذارند، به وجود آمده است. تقریباً در اکثر تعریف‌های سبک زندگی می‌توان دو مفهوم را یافت که در تعریف سبک زندگی در نظر گرفته شده است؛ و در واقع هر دو مفهوم هم، به واژه «سبک» باز می‌گردد: اول، مفهوم وحدت و جامعیت و دوم، مفهوم تمایز و تفارق. به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام‌مندی این کُل را از کُل‌های دیگر متمایز

می کند. و می توان مثالها و مصداقهایی از زندگی واقعی را شاهد آورد که رهبر انقلاب نیز به بیش از بیست مورد از آنها اشاره کردند.

مفهوم شناسی سبک زندگی:

مفهوم سبک زندگی از زمره مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان پاره ای از واقعیت های فرهنگی جامعه آن را مطرح و به کار می برند و دامنه به کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی رواج زیادی یافته است تا حدی که بعضی معتقدند که این مفهوم قابلیت جانشینی بسیاری از واژگان موجود از جمله مفهوم طبقه را داراست و می تواند به نحو دقیق تری، گویای واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرش های فرهنگی و اجتماعی در جامعه امروز ما باشد و حتی برخی اندیشمندان به کارگیری آن به جای مفاهیم فراگیری چون قومیت و ملیت را مطرح کرده اند. سبک زندگی در رشته مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدلها و الگوهای کنش های هر فرد اطلاق می شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش ها و واکنش های فرد و جامعه می باشد. به عبارتی سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد. مسائل خرد مقدمه فهم استراتژیک / روش رهبر انقلاب: از استقراء به استنتاج از منظری که سبک زندگی و بررسی ابعاد و وجوه آن، حوزه بسیار تخصصی و حرفه ای در مطالعات فرهنگی به خود اختصاص می دهد، مقوله بسیار تعیین کننده و محوری در مطالعات و بررسی های کلان استراتژیک و طراحی چشم اندازهای یک فرهنگ نیز می باشد. اصولاً باید دانست حوزه مطالعات استراتژیک برخلاف بار لغوی آن که همواره نوعی نگاه کلان را مطرح می سازد، در حوزه فرهنگ تنها بر پایه مطالعات و بررسی های جزئی امکان پذیر است. به عبارتی در مطالعات و بررسی های راهبردی، از لحاظ متدولوژیک و روش شناختی، بایستی بر مبنای مشاهدات و تحلیل های جزئی، کوچک (و استقرایی) حرکت کرد تا به تحلیل و توصیف و تبیین کلان نزدیک شد و پس از آن به حوزه پیش بینی، آینده پژوهی و آینده نگری، که اساس مباحث راهبردی بر آن استوار است، نزدیک شد. بنابراین مجموعه توصیف های ریز و جزئی مبنای تحلیل های راهبردی محسوب می شوند و پس از آن متغیرهای کلان یا ساختاری را بایستی در این گونه بررسی ها وارد و اعمال نمود. چرا که واقعیت های موجود و پراکنده که امکان بررسی و سنجش تجربی و ملاحظه عینی داشته باشند می توانند پایه نتیجه گیری های کلان و راهبردهای آینده نگرانه باشد. در واقع با به کارگیری مفهوم سبک زندگی و ژرف اندیشی و تعمیق درباره مفهوم آن می توان از هنجارهای پنهان که در اذهان، باورها و

رفتارهای مردم یک جامعه قابل مشاهده است، سر در آورد و از جهت گیری ها و الگوهای موجود یا در حال شکل گیری آتی جامعه، به نحو واقع بینانه ای تفسیر به دست داد. از این روست که رهبر انقلاب اسلامی در بحث سبک زندگی به مصادیق و سؤالات دقیق و جزئی و عینی و ریز شده روی آوردند و خرده گیری برخی افراد که به ورود به مصادیق جزئی توسط رهبر عالی رتبه نظام اشکال می کنند نشان می دهد که این افراد با روشهای مدیریت استراتژیک نظام و نیز با متدهای اصلاح سبک زندگی آشنا نیستند. رهبر انقلاب با درک دقیق و درست اندیشی که از واقعیات جامعه ایران دارند مسیر استقرار جهت استنتاجات خود انتخاب نموده اند و این مسیری است که غرب را منفعل خواهد کرد. در ادامه خواهیم گفت که چرا؟

فضای مفهومی «سبک زندگی»

هر اصطلاح از اصطلاحات علوم اجتماعی مانند سایر علوم در فضای مفهومی آن قابل درک است. «سبک زندگی» نیز به عنوان یکی از اصطلاحات علوم اجتماعی، پیوند مستقیم و وثیقی با مجموعه ای از مفاهیم دارد؛ مفاهیمی مانند: عینیت و ذهنیت، فرهنگ و جامعه، فرهنگ عینی و ذهنی، صورت (شکل، فرمت، قالب و ظرف) و مظهر و محتوا، رفتار و معنا (نگرش، ارزش و هنجار)، اخلاق و ایدئولوژی، سنت و نوگرایی (تجدد)، شخصیت و هویت (فردی و جمعی)، وراثت و محیط، فردیت و عمومیت (تفرد و تعمیم)، خلاقیت و بازتولید، تولید و مصرف، طبقه و قشر (بندی) اجتماعی، زیبایی شناسی (سلیقه) و نیاز، مقبولیت و مشروعیت و قس علی هذا.

بدون شناخت این روابط متکثر و متنوع، درک درستی از «سبک زندگی» و نظریه های مربوط به آن به دست نخواهد آمد. بدین لحاظ، هر محقق که می خواهد در این حوزه به مطالعه بپردازد، موظف به روشن کردن معنای «سبک زندگی» است که آن را در نظر دارد؛ معنایی که حداقل رابطه «سبک زندگی» را با سایر پدیده ها و مفاهیم همجوار نشان می دهد. در بیانات رهبر انقلاب نشانه های زیادی از این رمزگشایی و روشن کردن معنایی می یابیم. برای رهایی از تعقید و گره گشایی از مفهوم چند وجهی سبک زندگی مثال های ایشان رهنمود خوبی است.

آیا واژه و مفهوم «سبک زندگی» اصطلاح دقیقی در علوم اجتماعی است یا اصطلاحی خاص و ترکیبی از معنای دو واژه «زندگی» و «سبک» است؟ آیا این واژه دو کلمه ای، موصوف و صفت است یا مضاف و مضاف الیه؟ آیا یک ترکیب وصفی است یا یک ترکیب اضافی؟ آیا کسانی که از این ترکیب بهره برده اند، همگی معنای واحدی را از آن ارائه کرده اند؟ لازمه پاسخ به این سؤال، بحث واژه شناسی و ترمینولوژی سبک زندگی است که

هفته آینده به آن خواهیم پرداخت اما اجمالاً و فعلاً بر سر این مفهوم توافق می کنیم که شیوه زندگی یا سبک زیستن منعکس کننده گرایش ها، تمایلات، رفتارها، عقاید و ارزش های یک فرد یا جامعه است و مجموعه ای از طرز تلقی ها، عادت ها، نگرش ها، سلیقه ها، معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی، در کنار یکدیگر طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می سازند. با عنایت به تعریف دقیق چند سال گذشته رهبر حکیم انقلاب از واژه «فرهنگ» که آن را «باورها» و «رفتارهای برخاسته از باورها» تعریف نمودند مشخص می شود که چرا ایشان دو واژه فرهنگ و سبک زندگی را در کنار هم اصطیاد و استفاده می نمایند.

ضرورت عبرت پژوهی تاریخی و بررسی تاریخی مقوله «سبک زندگی»

در هم تنیدگی فلسفه علم و تاریخ علم ایجاب می کند در تحلیل دقیق یک مقوله، تاریخ آن را بکاویم. بی شک مواجهه فرهنگ و جامعه ایرانی با فرهنگ و نگرش غربی و مدرن، سبب تحول در سبک زندگی ایرانی شده است و یک زندگی شبه مدرن را که بارقه هایی از سنت نیز در آن وجود دارد، برای جامعه ایرانی رقم زده است. با چند دقیقه نظاره و قدم زدن در محیطهای اجتماعی و شهری این هویت مونتاژی و میکسی و هلو انجیری را مشاهده می نمائید.

از پایان دوره صفویه و مخصوصاً از دوران قاجاریه تا به امروز، مسأله مواجهه با عالمی جدید و ساحتی نوین به نام غرب و مدرنیته، کم کم در ایران رخ نموده است. غالباً این مواجهه چند جانبه بوده است اما در هر دوره وجهی از آن بر وجوه دیگر غلبه داشته است: این مواجهه ابتدا به صورت سلطه جغرافیایی محدود بود. مانند حضور پرتغالی ها در جنوب ایران. پس از قوت صفویه، این مواجهه، به عرصه کلام قدم می گذارد و این مسیونرهای مسیحی هستند که حامل پیام غرب نوین و اروپای متجدد در ایران هستند. اولین مدارس جدید را همین مسیونرها بنا می کنند. (به ویژه در دوره قاجار) پس از این، از دوران پس از صفویه تا استقرار قاجار و حتی تا زمانه تحریم تنباکو، مواجهه ما بیشتر شکل اقتصادی استعماری دارد. جنگ های ایران و روس و حضور استعماری انگلیس در ایران و منطقه، سخن از مواجهه نظامی را مطرح ساخت. از اواسط دوره قاجار غرب و غرب زدگی و مواجهه ما با این پدیده، شکلی جدید به خود گرفت. این نحوه مواجهه جدید، در حوزه اندیشه و تفکر و علم و فرهنگ بوده و غرب زدگی گسترده فرهنگی و علمی را پدیدار کرد. بدین سبب طبقه روشنفکران غیر دینی و فراماسونرها در این دوره آن هم تحت نظارت و حمایت و هدایت انگلیس و روسیه و بعدها آمریکا شکل گرفت و براساس این شیوه مواجهه است که کم کم سبک زندگی ایرانی دستخوش تغییرات می

شود؛ تغییراتی که هرچه زمان برایش جلوتر می رفت، سرعت این تغییرات نیز سریع تر می شد و واکنش آگاهان، روشنفکران دینی، خواص سیاسی و علما را باعث می گشت. این در حالی بود که سبک زندگی سنتی - دینی با مایه ها و جوهره شیعی و گرایشات اهل بیتی مردم ایران از استحکام دیرینه و با پشتوانه ای برخوردار بود و جامعه ایرانی را به چاره واداشت که چگونه نه این را وانهد و نه آن را رد نماید. پرسشی که هنوز در دوران گذار برای پاسخ به آن هستیم و به سؤال «چه باید کرد» در برابر هجوم اندیشه غربی صدها پاسخ داده شده است. هر چند همگان متفقند جوهره شیعی و اسلامی مردم و جوانان ایران اسلامی لیبرالیزه نمی شود اما سبک زندگی در صد سال اخیر دچار تحولات عمیق و ریشه داری شده است و همواره مسأله تماس، برخورد، پذیرش، طرد، مقابله و یا همزیستی میان فرهنگ سنتی - اسلامی ایرانی و ورود فرهنگ غربی و اروپایی که حامل تجدد و مدرنیته به معنای دقیق کلمه است، مطرح بوده و هنوز هم این موضوع در قلب تحولات فکری فرهنگی جامعه قرار دارد. این مسأله برای آگاهان و خواص، آشکار، و برای عموم مردم، مسأله رایج و مبتلا بهی است که عامه مردم نسبت به آن تا کنون غفلت معرفتی را ترجیح داده اند و رهبر انقلاب اخیراً اهتمام ویژه ای به غفلت زدائی در این ساحت نموده اند.

سبک زندگی کنونی ما در مواجهه با غرب مدرن

غرب فرهنگی و فلسفی با تفکری که در آن انسان می خواهد جای خدا را بگیرد و به صورت موجودی صاحب علم و اراده و قدرت و در جایگاه تشریع ظاهر شود و می بایست همه چیز را در تصرف و تملک خود درآورد، پدید آمد. غرب آن چنان که بسیاری از متفکران غربی نیز به آن اذعان کرده اند، کوشیده است تاریخی جدید با نگرش و هویتی جدید را برای انسان رقم بزند. امثال نیچه، هایدگر، هانری کربن، رنه گنون، شوان و فوکو هر کدام به نحوی به این تعارض اشاره داشته اند. از آن جا که جامعه ایران یک جامعه دین دار، دین محور و خدامحور است و در آن پایبندی به دین و سنت تا حدود زیادی یافت می شود با ورود نگرش ها و اندیشه های غربی و جلوه های مدرنیته توسط افرادی چون میرزا ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی و آخوندزاده که از پیشروان آشنایی با تجدد بودند، این تضاد و چالش بین این دو فرهنگ کاملاً متفاوت، بروز پیدا کرد و هنوز این چالش ادامه یافته است. عده ای که به جریان روشنفکری غیر دینی شهرت یافته اند با نام پیشرفت و توسعه و نفی عقب ماندگی تاریخی سعی در القای اندیشه های غربی و تجدد حاصل از رشد و گسترش بینش غربی بودند. عده ای دیگر کوشیدند راه های میانه را مطرح کنند

و عده ای دیگر به نفی مدرنیته و نقد آن روی آوردند. البته هیچ کدام از ایشان به راهکار و راهبردی در خور برای این دوران گذار، دست نیافتند و به مقام پرسش و انتقاد اکتفا کردند. متأسفانه جامعه ایرانی علی رغم مقاومتهای آگاهانه روحانیت اصیل و مردم دین مدار با بسیاری از سنن خویش و امور هویتی و اشکال و قالبهای سبک زندگی دینی اش وداع کرد و عرصه را برای غرب زدگی فراهم نمود که منجر به تعریف جدیدی از هویت، زندگی، عالم، علم و دین و دینداری گشت. باید این نظریه انتقادی رهبر شجاع انقلاب را درک کنیم که مواجهه تمدن ایرانی اسلامی با فرهنگ و تمدن غرب که امروزه بر تمام جهان سیطره یافته است، سبب تحولات بسیاری در تمام شئون جامعه ایرانی شد و «چرا»هایی که ایشان مطرح می کنند نیاز به ریشه یابی معرفتی دارد.

رهبر انقلاب اسلامی می کوشند تا این فرضیه کلان را اثبات نمایند که زیستن ایرانی در زمانه کنونی، برآمده از مواجهه و نزاع دو سبک زندگی غربی و اسلامی است.

زمینه های فلسفی و فکری سبک زندگی غربی کدام است؟

تجدد و مدرنیسم یک گفتمان فلسفی و تاریخی است که آغاز آن را باید در عصر رنسانس یعنی قرن های ۱۵ و ۱۶ سراغ گرفت. این گفتمان تاریخی سبب تحول در تمام ساحت های تفکر و زیستن بشر غربی گردید و تاکنون نیز این تحول هم در جغرافیای کشورهای غربی و هم در عالم شرق، ادامه دارد. هسته و دال مرکزی این مفهوم را می توان مفاهیم در هم تنیده خودبنیادی تفکر بشر، انسان گرایی (اومانیزم و هیومنیزم)، قدسیت زدایی و تقدس زدائی ماده گرا (ماتریالیسم)، تکنیک زدگی افراطی، غیب ستیزی و شریعت ستیزی و وحی ستیزی و متن گریزی دانست. این تفکر مرکزی سبب پدیدار شدن هنر و ادبیات مدرن (رمانتیسم، کلاسیسیزم، رئالیسم، ناتورالیسم، اکسپرسیونیسم، کوبیزم و دادائیسم)، علم مدرن (آمپریسم، ساینتیسم، نگرش تکنیکی و...)، دین مدرن (پوزیتیویسم و دین پراگمات و...)، نظام سیاسی و شهروندی مدرن (ماکیاولیسم و سکولاریسم و شهروندی به جای مفهوم اخوت و برادری)، نظام اقتصادی مدرن (بورژوازی و سوسیالیسم و...)، تفکر مدرن (سوپرکتیویسم، پوزیتیویسم منطقی و...)، نظام اجتماعی مدرن (طبقات اجتماعی مدرن همچون طبقه متوسط و بورژوا، بسط فردیت اجتماعی و...) گردید.

تمامی این ها سبب شدند که سبک زندگی بشر زیست کننده در بستر مدرنیسم دگرگون شود و با سبک زندگی پیشین خود و همچنین با سبک زندگی سنتی و دینی فاصله بگیرد. به لطف حاکمیت فرهنگ ائمه معصومین بخش عظیمی از تاریخ ما و همچنین فرهنگ جاری ما، متأثر از دین و برآمده از دین است و دین شکل دهنده و پدیدار کننده سنت

خاص در جامعه ایران بوده است. ضعف آشکار بسیاری از پژوهش ها و تحلیل ها پیرامون سبک زندگی، غفلت از جایگاه دین اسلام و مکتب شیعه در سنت و تاریخ و هویت جامعه ایرانی است، به نظر می رسد به این دلیل در مانیفست و منشور ارائه شده از سوی مقام معظم رهبری تمامی مؤلفه های سبک زندگی اعم از: هویت (فهم از خود، فهم از جامعه، فهم از تاریخ و...)، ارزش ها (هم صفات آرمانی و هم انسان های آرمانی)، معماری شهری و خانگی، نظام آموزش، زبان و ادبیات، هنر، خانواده (نظام و نقش)، روابط اجتماعی، ساختار اجتماعی، دین داری فردی و اجتماعی، نظام اقتصادی فردی و خانواده، نظام تغذیه و طب فردی و خانواده، رسانه، تکنولوژی، نحوه نگرش به عالم، نگرش به نظام سیاسی اجتماعی با مباحث دینی و اسلامی پیوند خورده است.

عادات و سبک زندگی مردم امر مهمی است و امروز اندیشمندان غربی هم از شیوه زندگی غربی دفاع نمی کنند و آراستگی به فضائل انسانی و زندگی پرهیزکارانه نیز در نظر همه کس شرط کمال و صورتی از آن است. پس یکی از مشکلات ما مقایسه و انتخاب میان دو صورت و شیوه زندگی نیست، بلکه در شرایط امکان تحقق آن هاست. برای پاسخ به سؤالات رهبر انقلاب باید به این فرضیه نیز توجه جدی کرد که شیوه زندگی غربی در پناه قدرت تکنیک پدید آمده و در سراسر روی زمین بسط یافته است. حکمرانی این قدرت ها اقتضای شیوه زندگی خاص دارد و بسیار بعید به نظرمی آید که معنای اخلاقی و دینی فضیلت و پارسایی بتواند در پناه آن دوام بیاورد. اینجا قصد تکنیک ستیزی نداریم بلکه بحث ما توجه به تأثیرات ملزومات قطعی زندگی تکنولوژی زده بر سبک زندگی است.

پارسایی به عالمی تعلق دارد و در عالمی می شکفت که اسماء حق در حجاب های غلیظ و ضخیم پوشیده نشده باشد. پس باید به فکر آن حجاب ها بود. شیوه زندگی کنونی وقتی از هم می پاشد و راهش بسته می شود که سرچشمه پدید آمدنش پیدا آید. پس به فکر باطن این شیوه زندگی باشیم و اصل و فرع و ظاهر و باطن را با هم در نیامیزیم.

برای اینکه جهان کنونی و شیوه زندگیش دگرگون شود، باید به فکر عالمی دیگر و آدمی دیگر و جهان بینی متفاوت بود؛ یعنی باید جهانی دیگر با انسانی دیگر در افق درک اهل نظر ظاهر شود. با توجه به آن افق و چشم انداز است که شاید شیوه زندگی مردمان به تدریج، بی تکلف و بدون زحمت تغییر کند. در جهانی که اکنون دایر است، شرایط پارسایی فراهم نیست و کسانی که همه آن شرایط در وجودشان جمع باشد، اگر باشند، تعدادشان بسیار اندک است. پس در کنار اینکه نگران طرز خور و خواب مردمان باشیم، باید نگران فکر و فرهنگ در این جهان باشیم؛ در این صورت می توان شیوه ای از زندگی تازه ای در پیش گرفت که در آن صفا بر کدورت، و راستی بر دروغ، و اعتماد بر سوء ظن،

و مهر و معرفت بر کینه توزی، و رعایت انصاف بر تعدی و اجحاف، و همدلی و هم‌زبانی بر تحکم، و ادای وظیفه بر رفع تکلیف، مقدم باشد.

در بین کوچه و پس کوچه های بی شمار سبک زندگی، باید بتوانیم گذرگاه های اصلی و گلوگاه های شهر را تشخیص دهیم. این ها را گفتیم تا وقتی می پرسیم سبک زندگی را کدام عوامل تعیین می کنند از فهرست کردن هزاران عامل خودداری کنیم. در میان هزاران نیرویی که در جهت های مختلف بر یک نقطه وارد می شود، چند نیروی محوری وجود دارد که بر آیندشان جهت اصلی را تعیین می کند و رفته رفته ریزنیروها را با خود هم جهت می سازد. این از نظر فیزیکی درست نیست اما نیروهای جوامع انسانی را حکمی دیگر است. این نیروها کدامند؟ نقشه راه ترسیمی از سوی رهبر حکیم انقلاب مبنای کار ما خواهد بود.

بحث بر سر این که آیا اسلام نوعی چالش تمدنی برای غرب محسوب می شد یا خیر، زیرا زمانی این مباحث در اوج خود بود که جنگ سرد رو به پایان و تفکر غربی در تلاش بودند تا جهان را بر پایه های عقلایی تازه ای استوار کنند. این تیپ سازی های جدید ممکن بود بار دیگر اسلام را در نظر غربیان به شکل ی بیگانه جلوه گر سازد.

برای مثال، ساموئل هانتینگتن معتقد بود که موازنه فرهنگها جایگزین ملاحظات سنتی در مورد قوا و ایدئولوژی یاسی می شود که زمانی مبنای ملی همکاری و تشکیل اتحادیه ها و ائتلافها بود. به عقیده وی، با گذر زمان همگرای به تدریج میان کشورهای اسلامی تقویت خواهد شد. این تیپ سازی جدید موجب می گشت که اسلام و غرب علیه یکدیگر موضع گیری و گریزی کنند و ملل اسلامی با رواج واژنی چون تروریسم اسلامی و بنیادگرایی اسلامی از سوی غربیان به گونه ا ناعادلانه و ملی عقب مانده، متحجر و غیرمتمدن جلوه گر شوند. گرچه ردای غرب تیزی در میان مسلمانان پیدا بود، اما صحبت از وجود یک تمدن واحد و مشخص اسلامی، موضوعی دیگر است. واقع امر این بود که تفرقه های بسیاری میان مسلمانان وجود داشت و ر کشور اسلامی تنها خود را سخنگوی اسلام می دانست. در طول تاریخ، هیچگاه از عدم اتحاد و اختلافات میان دو مذهب اصلی اسلام یعنی شیعه و سنی کاسته نشده است و تقسیم بندی این دو مذهب به فرقه های متعدد که بیشتر از آن سخن به میان آمد نیز باعث پیدایش چندصدایی و هیاو و نه تک صدایی را که مبین اسلام باشد، شده است. گذشته از اینها، پتانسیل منطقه ای اسلام در قالب کشورهای متعدد ا می گنجانیده شده است و بی تردید نظام کشوردار نیز با محدودیتها و موانعی روبرو است که مانع پایبندی همیشگی به مفاهیم اسلامی می گردد.

اعراب تا حدودی از پذیرش تقسیم بندی ی کشوری که پس از جنگ جهانی اول از سوی استعمارگران غربی به منطقه تحمیل شده بود امتناع می ورزیدند، اما در میان اعراب خبگانی نیز بودند که پیرو نظریه پیدایش کشورهای مستقل و دارا حق حاکمیت بر سرنوشت خویش بودند. توجه دولتهای اسلامی به منافع حیاتی ملی، تلاشهای گروههای احیا طلب در درون ای کشورهای را برای ایجاد یک کشور احیا طلب اسلامی با شکست روبرو ساخته است. حقیقت انکارناپذیر برای نیرو تمدن اسلام این بود که گل اسلام نهایی توانست درون گلدان حکومت نشو و نما بیابد، اما به هر حال اسلام سعی دارد به تقویت جایگاه خود در درون کشورهای اسلامی اهتمام نماید. به نظر نمی رسد که هیچ کشور اسلامی بتواند به تنهایی رهبری امت اسلامی را به دست گیرد، حتی ایجاد اتحاد میان کشورهای اسلامی همان اقدامی که جمال عبدالناصر در اتحاد محدود میان کشورهای عربی انجام داد، ناممکن می نماید. رهبران بالقوه امت اسلامی یعنی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی نیز هر یک برداشتهای مختلفی از اسلام دارند و این برداشتها نیز در فعالیتهای تبلیغی شان در سراسر دنیا انعکاس یافته است و به قول جیم سکاتور معلوم نیست که سخنگوی اسلام کیست. افزون بر این شکافهای عمیقی نیز در برداشتها و اصول مذهبی - سیاسی این دو کشور نمودار است.

به دنبال پایان یافتن جنگ سرد، برخی استراتژیستها در آمریکا در تلاش برای یافتن یک دشمن ایدئولوژیک جدید، سعی کردند اسلام را دیکال را جایگزین کمونیسم سازند. از اینرو، یک استراتژی جدید تدوین شد که به موجب آن اسلام را دیکال به صورت یک دشمن ایدئولوژیک جدید به تصویر کشیده می شود. در این راستا، آمریکا خواستار همکاری سایر قدرت های بزرگ شد.

با وجود این، به نظر می رسد که آمریکا قادر نخواهد بود از مقابله با اسلام برپا پیش برد اهداف ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خود با نادیده انگاشتن واقعیات موجود بهره برداری کند. به رغم اظهار نظر برخی تندروها در آمریکا، اسلام هیچ گونه تضاد ذاتی با دموکراسی و آزادی ندارد و به این دلیل آمریکا نباید اسلام را مانند کمونیسم رقیب ایدئولوژیک خود به حساب آورد. درواقع، زمینه های مشترک زیادی وجود دارد، که اسلام را با مسیحیت به عنوان دو آئین معتقد به وحدانیت پیوند می دهد.

خلاصه این که، استراتژی آمریکا در قبال جهان اسلام از سیاستهایی رنج می برد که تحت تأثیر اسرائیل یا گروه های با نفوذ طرفدار اسرائیل قرار دارند. آمریکا در دفاع از سیاست های اسرائیل علیه فلسطینی ها و با نادیده گرفتن اصولی که خود آنها را گرامی شمرد؛ مانند حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت و غیره در حال از دست دادن اعتبار خویش است. در سطح استراتژیک، استراتژی آمریکا در قبال جهان اسلام عمدتاً بر منطقه

نفت نیز خاورمیانه و خلیج فارس تمرکز دارد؛ منطقه‌ای که کنترل بر منابع انرژی آن و دسترسی به مسیرهای آن از پایان جنگ جهانی دوم به این سو؛ موضوع رقابت میان قدرت‌های عمده بوده است.

غرب، دنیای اسلام و جهان عرب را متهم می‌کند که دارای فرهنگ تروریستی است. برای تعامل با غرب در این زمینه باید روی اصولی تکیه کرد که از روح اسلام و بطن قوانین آن سرچشمه می‌گیرند. اسلام تروریسم را محکوم می‌کند. علامه مرجع اعتقاد دارد که غرب فهم نادرست و غیرواقعی از اسلام دارد. ایشان در این باره می‌گویند:

ما تلاش می‌کنیم که با دای غرب و شرق گفت‌وگو کنیم. زیرا گفت‌وگو، ابزاری انسانی و تمدنی برای دعوت کردن است. و مشکلی که پس از رویداد یازده سپتامبر آمریکا به وجود آمده است این است که دولت کنونی آمریکا از این واقعه استفاده کرده است تا تحت عنوان جنگ با تروریسم و این که اسلام از تروریسم و تروریست‌ها حمایت می‌کند، جنگی جهانی و همه‌جانبه را علیه اسلام و مسلمین راه بیندازد. ولی باید توجه کرد کسانی که به چنین کارهایی دست زده‌اند درک نادرست و غیرواقعی از مسائلی چون جهاد و ... اسلام دارند.

اساس تفکر شیعه و مأخذ تمام معارف شیعی قرآن کریم است. قرآن کریم هم ظواهر آیات خود، هم گفتار و کردار، بلکه سکوت و تقریر رسول اکرم را حجت دانسته و به تبع آن، گفتار، رفتار و تقریر ائمه (ع) را حجت می‌داند. علاوه بر قرآن حجیت استدلال عقلی را بیان نموده و نیز طریق کشف و شهود را مورد تأیید قرار داده است.

ره آورد این گونه تفکر در موارد زیر خلاصه می‌شود:

- اعتقاد به وحدانیت خداوند متعال و تنزه ذات خداوند از صفات نقص، و آراستگی به صفات کمال
- اعتقاد به حسن و قبح عقلی و این که عقل درک می‌کند که ساحت الاهی از انجام افعال قبیح منزّه است.
- اعتقاد به عصمت انبیای الاهی و خاتمیت رسول مکرم اسلام.
- اعتقاد به این که تشخیص و تعیین جانشینی پیامبر اکرم (ص) فقط از طرف خداوند و به واسطه پیامبر (ص) یا امام قبلی ممکن و میسر است و تعداد جانشینان پیامبر دوازده نفر هستند که اول آنها علی بن ابی طالب (ع) و آخرین آنها حضرت مهدی است که الان زنده و منتظر فرمان الاهی هستند.
- اعتقاد به حیات پس از مرگ و رسیدن انسان به پاداش یا کیفر اعمال خود

فرهنگ بسیجی، انقلابی و اسلامی

در انقلاب اسلامی ایران، گفتمان هویت ترکیب فرهنگ سنتی، ارزش های اسلامی، فلسفه شهادت، تنظیم شعایر دینی و وجه به مناسک و مراسم مذهبی دینی خود را نمایانده است. کاملاً پدیداست که سرآغاز حیات دینی فرهنگ بومی ایران، پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که اقشار مختلف مردم جامعه در صدد اثبات هویت دینی و مذهبی خود برآمدند، فرهنگ مقاومت و اصول گرایی دینی از فضای اجتماعی ایران ظهور یافته و به سایر حوزه های جغرافیایی منتقل گردید.

دین یکی از عناصر اسلامی هویت ملی ایرانیان می باشد، هویت ایرانی دربرگیرنده مساله عدل و عدالت است. ایران از طریق اسلام دوباره در صحنه ی تمدن و فرهنگ حضور پیدامی کند، ایرانیان از اسلام مفاهیم باارزشی گرفتند و همچنین مسلمانان نیز ارزش های زیادی از ایرانیان آموختند. به این ترتیب دین به یکی از مهم ترین عناصر فرهنگ ایرانیان بدل گشت (مجتهدزاده، ۱۳۸۳)

رفتار های انسان از یهت متکی بر ارزش ها و باورهایی است که از نوع نگاه به هستی بر می خیزد و از طرف دیگر مستند به استدلال های فکری و اندیشه هایی است که براساس نوع گزاره های برخاسته از شرایط و تجربیات او شکل می گیرد. از طرف دیگر فرهنگ چون عامل هویت دهی رفتارها و تعاملات فردی و اجتماعی انسان و جوامع می باشد. بنابراین تعریف فرهنگ بدون توجه به جهات ارزشی و فکری عبارت است از: شیوه زندگی برخاسته ی اندیشه (از عقل نظری) و نظام ارزشی (عقل عملی / بابایی ۱۳۸۴) که در آن شیوه زندگی اشاره به کیفیت گزینش های فردی و اجتماعی در برخورد ها، تعاملات، نوع گفتارها، کردارها و پندارها دارد.

استاد شهید مطهری می فرمایند: عقل عملی بیانگر باید ها و نبایدهایی است که در زندگی براساس تجربیات والگوهای زندگی انتخاب شده است و عموماً مستند به نگرش انسان به جهان به تعبیر دیگر نوع جهان بینی انسان است. تفاوت شیوه ی زندگی ریشه تفاوت فردی و اجتماعی بین شخصیت افراد است. (ترابی ۱۳۴۳)

سیجی به دلیل مبانی فکری وارز که برخاسته از فرهنگ ناب اسلامی و انقلابی است با یاران و همفکران و همکیشان و خودی ها با مهربانی برخورد می کند و با دشمنان با قاطعیت برخورد می نماید، فرهنگ و فکر بسیجی انسان را به سوی شیوه و بکی از زندگی راهنمای می کند که مبتنی بر اصول و ارزش های الهی و پیروی از روش پیامبر (ص) و ائمه معصومین (س) می باشد. فلذا طبیعی است میزان بقا و پایداری این هویت و رفتار وابسته به میزان نهادینه سازی نظام ارزشی و فکری سیجی است.

قدرت و نفوذ یجی

در فرهنگ لغت، قدرت به توانایی انجام کارها و یا کنترل دیگران معنی شده است، و یا واداشتن دیگران به انجام کاری خاص و به عبارتی اعمال نفوذ بر دیگران به وسیله ی ابزارها و عوامل مختلف است.

قدرت دارای صورت های مختلفی است، مانند: قدرت یاسی، قدرت اقتصادی، قدرت نظامی و... قدرت دارای شقوق دیگری چون قدرت سخت و قدرت نرم است که مبحث اصلی ما در این باره موضوع قدرت نرم است که دشمن با استفاده از این قدرت نرم روح، اعتقادات و فرهنگ مردم را مورد هدف قرار می دهد، ایجاد شکاف بین ارزش های دینی و اسلامی با فرهنگ غربی و فلسفه و القای اندیشه های غربی و تجدد حاصل از رشد و گسترش ینش غربی به نوعی جامعه ی ما را مورد هجمه قرار داده است و یکی از احثی که جامعه ی ما را تهدید می نماید، همین بحث تغییر سبک زندگی در جامعه است که به نوعی از آموزه های دینی و اسلامی دور شده و به نوعی به فرهنگ های غربی حاصل تفکرات او انیستی و لیبرالیستی می باشد، سوق داده شده است.

در ای میان ای جمعیت خروشان و ظیم بسیج است که می تواند وارد این عرصه شود و ضمن حاکم کردن تفکرات الهی و ارزشی بر زندگی بسیجیان تاثیر گذار بر سایر اقشار و آحاد مردم باشند. این هجمه گسترده دشمنان در این زمینه با قدرت و نفوذ سیج و ولید قدرت نرم در مقابله با تهدیدات نرم آنها بهترین شیوه می باشد (بابا یی، ۱۳۸۴).

مؤلفه های فرهنگ سیجی

شاخص ها و مؤلفه های فرهنگ بسیجی برخاسته از اسلام ناب محمدی (ص) است که قرآن و سنت ۱ بیت پیامبر (ص) آبشخور اصلی آن می باشد. بر اساس تحقیق و پژوهشی که توسط نویسندگان و سازمان تحقیقات بسیج صورت گرفته است این شاخص ها در چندین محور جمع بندی و احصا شده است که ما در این جا به تعدادی از آنها اشاره خواهیم کرد و مطالعه تفصیلی آنها را به عهده خواننده محترم می گذاریم. (بابایی، ۱۳۸۴، حبی، ۱۳۸۳).

۱. واقع بینی ۲. حق مداری ۳. کمال جویی ۴. اطاعت محض از خدا و رسول خدا (ص) و ۵. بیت (ع) و ولای فقیه ۵. مجهز به بالاترین ابزارهای مادی و معنوی ۶. داشتن روحیه شهادت طلبی ۷. صبر و استقامت ۸. شجاعت و ازیر خدا نترسیدن ۹. انضباط و هماهنگی در کارها و داشتن برنامه ریزی دقیق زندگی ۱۰. عدم سازش با کفار ۱۱. دوستی با مؤمنین و دوستان ۱۲. بیت (ع) و مخالفت با دیگران (تولی و تبری) ۱۳. زهد، ایثار و از خود گذشتگی و مبارزه با رفاه طلبی و تجمل پرستی و ۱۴. انیت ۱۵. التزام عملی به ا کام

اسلامی وقانون ومقررات حکومتی ۱۴. صداقت ودرستی درافکار، گفتار ورفتار ۱۵. انس باقرآن وکتب ۱۶. بصیرت و دانائی ۱۷. مدارا با مردم وانسان محور در کارها ۱۸. طعیت و صلابت درافکار وگفتار ورفتار ۱۹. انعطاف پذیری مناسب مقتضیات زمان وشرايط محیطی تکلیف مداری، همواره به دنبال انجام تکلیف نه نتیجه کارها.

نهادینه سازی و فرهنگ بسیجی

بقای یک فرهنگ وافکار در بستر زمان ونسل های مختلف زمانی ممکن است که بتوان آن اصول فرهنگی وفکری را در آنها را به دیگران ونسل های بعدی منتقل نمود. برای انتقال یک فرهنگ به نسل های بعدی ونهادینه کردن آن از چند روش والگو می توان استفاده کرد: یک. روش والگوی کاملی: این روش الگو بر این فرض استوار است که انسان با کوشش داوطلبانه ومستمر خود، جامعه و جمعیت اجتماعی خویش را از یک مرحله به مرحله والاتر ومطلوب تر هدایت می کند. نظریه های تکاملی توجه خود را معطوف به فرهنگ وعلوم فنون می کنند. به عقیده آنها، تغییرات اساسی در جامعه محصول دگرگونی دروسائل معیشت است، مثل تغییر از مرحله کشاورزی به مرحله صنعتی بادستیابی به ابزار وشيوه تولید پیشرفته. این الگو تأکید بر نوآوری تنوع، کارآئی، بهره وری واثر بخشی دارد. این تحول اجنبه کمی ندارد، بلکه حوزه های کیفی ومعنوی مانند حقوق ومذهب، هنر وجز اینها را ز در بر می گیرد.

دو. روش الگوی (اشاعه ای): در این روش عناصر ومنظومه های فرهنگی دراثر مجاورت وتعامل با جوامع دیگر گسترش می یابد. نظریه اشاعه فرهنگی، بر این فرض استوار است که فرهنگ های ایستا وناز، خود را بر آنها تحمیل و سلط می کند. شاید امروزه، با انقلاب ارتباطات و ابزارهای اطلاع رسانی، الگوی اشاعه فرهنگی وغلبه نظام های پویا بر عرصه فرهنگی جهان بیش از هر زمان محسوس وملموس تر باشد. شبکه های عظیم ارتباطی مرزهای سنتی جغرافیایی و سیاسی را درهم شکسته و از فراز کره خاکی بر بال اموال صوتی وتصویری، به خلوت اقشار مختلف ملت ها نفوذ کرده وفرهنگ ها را مستقیماً مورد آماج خود قرار می دهد. (بابایی، ۱۳۸۴: ۶۷)

سه. روش الگویی (فرهنگ سازی): در این روش برای ایجاد تحول اجتماعی، برخی گرایش به انتقال آرام در تغییر ودگرگون سازی دارند وبعضی اجبار، خشونت انقلاب را صیه می کنند (کاظمی ۱۳۷۷: ۷)

برای فرهنگ سازی توجه به دو بخش را ضروری می دانند:

یک. فلسفه ومباحث نظری که موضوعات گزاره های فکری را می سازد وپاسخگویی نیازمندی های عقلانی انسان است.

دو. ارزش ها وباورها که سازنده نظام ارزشی است ودرکنش ها وواکنش های هنری

ظاهر شده و ذوقیات را پرورش می دهد مثل آفرینشگری در زمینه ادبیات، زیباشناسی، موسیقی، نقاشی.

راه کارهای مقابله با تهدیدات نرم

از آن جایی که زندگی به دور از خرد و به دور از ذوق و شوق، بلیت دوام کمتری دارد، فرهنگ به مفهوم شیوه زندگی، برای پویایی خویش نیازمند دو شاخه و دو پایه اساسی فکری و عملی است، که تغییر در هر کدام منتهی به تغییر رفتاری و کنشی می گردد. از این رو برای مقابله علمی و جدی با تهدیدات نرم تنها روش نهادینه سازی و فرهنگ سازی می تواند جوابگویی ملمی باشد که فرهنگ علوی نیز آن را ترویج و توصیه می کند که در جای دی ر به تفصیل آن پرداخت که ما فقط به تعدادی از آنها اشاره می کنیم.

نتیجه گیری

تحلیلی که در مفهوم فرهنگ، تهدید نرم، ماهیت آنها و جی و فکر و فرهنگ آن صورت گرفت، نکات زیر را می توان به صورت صه نتیجه گیری کرد:

یک. فرهنگ شیوه ی زندگی است که انسان بر اساس مبانی فکری و ارزشی انتخاب می کند.

دو. هنجار، ارزش، عقاید، علوم و فنون، نماد و نقش ها عنصری هستند که فرهنگ جامعه را می سازند و با جهت دهی آنها می توان هویت جامعه را تغییر داد.

سه. در تهدید نرم دشمنان تلاش می کنند با همسو کردن عناصر فرهنگی جامعه هدف رابه جایی ببرند که خود می خواهد.

چهار. ترویج و نهادینه کردن تفکر و فرهنگ بسیجی راهی است که می توان از طریق آن با تهاجم فرهنگی به مقابله برخاست.

پنج. برای ترویج و نهادینه کردن تفکر و فرهنگ بسیجی اقدامات زیر ضروری است :

- آسیب شناسی اصول و مبانی تفکر و فرهنگ بسیجی
 - به روز کردن پایه ها و محتوای فکر و فرهنگ بسیجی
 - نهادینه کردن اندیشه های سیجی در نسل های جدید در بستر زمان
- برای مقابله با تهدید نرم از رهیافت های زیر می توان بهره جست:
- پویا سازی عناصر فرهنگ در بستر زمان،

توجه به عناصر روانی،

تقویت و توسعه احساسات و اندیشه ها،

تقویت اصالت های تاریخی،

منابع:

- امام مینی، روح الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- افتخاری، علی اصغر (۱۳۸۶). مجموعه مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم ۳۰ و ۳۱، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع)
- بابائی، محمدباقر (۱۳۸۴)، مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه علی (ع). تهران: دانشگاه امام حسین علیه السلام
- بابائی، محمدباقر (۱۳۸۵). نقش عناصر فرهنگی در تحولات فرهنگی. مجموعه مقالات پیرامون مدیریت فرهنگی، محسن فردرو، تهران: انتشارات مه آسا.
- ترابی، محمود (۱۳۴۳). مبانی جامعه شناسی. تهران: نشر اقبال.
- حبی، محمدباقر (۱۳۸۳). شاخص های فرهنگ و تفکر بسیجی. تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۰). لغت نامه، جلد ۲
- میرزاده، سید رضا (۱۳۸۵). مدیریت و فرماندهی در اسلام، انتشارات فرهنگ جاودان.
- نای، جوزف (۱۳۶۳). قدرت نرم، فصلنامه راهبرد. شماره ۲۹.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۴). رویه عدالت خواهی و جایگاه آن در هویت ملی ایرانیان. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.